

نقش روحانیت شیعه در بیداری اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر ایران

نجات محمدی فرا^۱

چکیده

روحانیت شیعه در تاریخ سیاسی معاصر ایران همواره نقش پیشگام و مؤثری در بیداری اسلامی ایفا کرده به گونه‌ای که بخش مهمی از تاریخ سیاسی ایران با روحانیت عجین شده و همیشه وزنه سنگین و تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی - اجتماعی ایران داشته‌اند. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که روحانیت شیعه در تاریخ سیاسی معاصر ایران چه نقشی در جهت بیداری اسلامی ایفا کرده است (مسئله). روش تحقیق در این پژوهش توصیفی - تحلیلی و ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشد (روش). نتایج حاصل از پژوهش گویای آن است که در سطح رهبری، روحانیون در لغو امتیاز رویتر، پیروزی نهضت تنباکو، پیروزی انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، پیروزی انقلاب اسلامی و احیای نظریه بیداری اسلامی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در سطح حمایت مردمی می‌توان به اعلام حکم جهاد و دعوت مردم به مبارزه در جنگ‌های ایران و روس، حمایت از مردم در حادثه گریبایدوف و سفارت روس و به صحنه کشاندن مردم علیه استبداد و استعمار خارجی اشاره کرد. در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان به تلاش‌های عالمان دینی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا حسین نائینی، آیت‌الله کاشانی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در جهت تقویت و بیداری اسلامی اشاره کرد (یافته‌ها).

واژگان کلیدی: بیداری اسلامی، روحانیت شیعه، انقلاب مشروطه، انقلاب اسلامی

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

بیداری اسلامی یکی از اهداف مهمی بوده که روحانیت در تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران به طور خاص همواره نسبت به آن اهتمام ویژه‌ای داشته است. نگاهی به تاریخ سیاسی معاصر ایران نشان می‌دهد، از زمان صفویه که تشیع به عنوان مذهب رسمی کشور شناخته شد و حوزه‌های علمیه شیعی آغاز به کار نمودند و شکل و نظم خاصی یافتند تا امروز روحانیت شیعه محور اصلی بسیاری از تحولات سیاسی-اجتماعی در ایران بوده و در جهت بیداری و آگاهی‌بخشی به مردم تمام تلاش خود را به کار گرفته و ماهیت استبدادی و استعماری بسیار از رژیم‌های سیاسی را برای مردم روشن ساخته است.

در همین راستا، مقام معظم رهبری می‌فرماید: «روحانیت، عنصر اصلی در مبارزات پانزده‌ساله‌ی منتهی به پیروزی انقلاب و سپس در تشکیل نظام مقدس اسلامی و برافراشتن پرچم اسلام در جهان و در مقاومت پُرشور ملت ایران در برابر تهاجم‌های گوناگون دشمنان و پیش از این‌ها و در طول قرن‌های متمادی، عامل اصلی حفظ معارف اسلامی و ایمان عمیق و صادقانه‌ی ملت ایران به مکتب حیات‌بخش اسلام و رشد تفکرات دینی در همه‌جا بوده است... در همه‌ی حوادث بزرگی که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت جسته‌اند نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹).

این حضور عمومی باعث شده روحانیت شیعه در بیداری اسلامی و بسیاری از حرکت‌های سیاسی-اجتماعی تاریخ سیاسی معاصر ایران نقش مهمی ایفا کند به همین دلیل هر گاه پادشاهان و حکام مستبد و وابسته به بیگانگان برخلاف سنت‌ها و ارزش‌های دینی حاکم بر جامعه عمل نموده‌اند روحانیون در مقابل آن‌ها به پا خاسته‌اند (عیوضی، ۱۳۸۶: ۱) و در نهایت پیروز میدان بوده‌اند. نمونه‌های تاریخی این مسئله را می‌توان در مخالفت علما با اعطای امتیاز به بیگانگان مانند مخالفت حاج ملاعلی کنی با امتیاز رویتر، سیدجمال‌الدین اسدآبادی با امتیاز بانک شاهنشاهی، آیت‌الله میرزای شیرازی با امتیاز توتون و تنباکو؛ مخالف با استبداد و نفوذ بیگانگان مانند نقش روحانیون بزرگی همچون آیت‌الله بهبهانی، آیت‌الله طباطبایی و شیخ فضل‌الله نوری در انقلاب مشروطه، نقش آیت‌الله کاشانی در نهضت ملی شدن صنعت نفت و نقش امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی مشاهده کرد. این سوابق تاریخی و مبارزاتی بیانگر آن است که روحانیون نه تنها نسبت به تحولات سیاسی-اجتماعی ایران بی‌تفاوت نبوده‌اند بلکه

همواره با ایشار و فداکاری در بیداری مردم و احیای ارزش‌های اسلامی و دینی جامعه اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. با توجه به این مقدمه، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی نقش روحانیت شیعه در بیداری اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر ایران می‌باشد.

پیشینه پژوهش

هر پژوهشی جهت شناخت دقیق‌تر پدیده مورد مطالعه، جلوگیری از تکرار پذیری و کمک به انباشت علم باید متکی به دستاوردهای پیشین باشد. لذا در جدول زیر به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته که ارتباط نزدیکی با پژوهش حاضر دارند اشاره می‌شود. لازم به ذکر است در پیشینه پژوهش حاضر، مطالعات انجام شده در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین جهت مشاهده و بررسی مطالعات انجام شده از پایگاه‌هایی همچون پرتال جامع علوم انسانی، اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و پایگاه اینترنتی مجلات استفاده شده است.

جدول شماره ۱: پیشینه مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته

نویسنده [گان]	سال پژوهش	عنوان پژوهش	هدف پژوهش	نتایج پژوهش
حسینی رامشه و سروریان	۱۴۰۰	تکریم سادات و کارکرد آن در بیداری اسلامی	چرایی تکریم سادات و نقش این تکریم در تحولات اجتماعی-سیاسی	اگر نخبگان سادات برای نقش آفرینی در بیداری اسلامی اراده کنند قطعاً مردم به دودلیل حق طلبی و ارادت قلبی به سادات به دعوت ایشان لبیک خواهند گفت.
جعفری	۱۳۹۹	عوامل سیستمیک و دومینوی بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه	واکاوی علت بیداری و انقلابی شدن کشورهای خاورمیانه و چرایی تکوین اندیشه انقلاب در اذهان و ادراک مردم منطقه	هر گاه نیروهای اجتماعی و سیاسی، سیاست حفظ وضع موجود حاکمان کشورشان را به عنوان حاکمان وابسته به غرب تعریف نمودند درصدد به چالش کشاندن آن برای رسیدن به تغییر وضع موجود و مطلوب تلاش کردند.
میرخلیلی و همکاران	۱۳۹۹	رفتارشناسی سیاسی روحانیت در مواجهه با چالش‌های بیداری اسلامی؛ با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری	تبیین فراز و فرود پدیده بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی، به برون‌رفت از چالش‌های پیش روی این حرکت عظیم، با تمرکز بر نقش هدایتگرانه علمای اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری	علمای اسلام با بسترسازی گفتمان فکری اسلامی در جامعه، زمینه رشد بینش سیاسی آحاد جامعه را تقویت نمودند و آن‌ها را متوجه حقوق فطری خویش ساختند. این مهم، آغازگر مطالبه گری و قیام مردم علیه حاکمان جور در برخی کشورها گردید.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران الزامات قانونی دولت و ملت در راه بیداری اسلامی بر اساس حکمت و عزت و مصلحت و اقتدار مسلمانان جهان را تبیین کرده است.	بررسی و تحلیل جایگاه بیداری اسلامی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	بیداری اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۹۸	جواهری
انقلاب اسلامی با بازآفرینی ارزش‌ها و آگاهی‌های دینی در جامعه اسلامی، ایجاد اعتمادبه‌نفس، تقویت روحیه ضداستکباری، فراهم‌سازی وحدت اسلامی و با القای روحیه اقدام و در کنار آن، حمایت همه‌جانبه از نهضت‌های اسلامی توانست این جریان را هدایت و آن را هدفمند و پر قدرت‌تر از گذشته برای هدف نهایی که همان تعالی مادی و معنوی مسلمانان است به پیش ببرد.	چگونگی تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در پایداری و پویایی فرآیند تکاملی بیداری اسلامی	تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در پایداری و پویایی فرآیند تکاملی بیداری اسلامی و تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه	۱۳۹۶	الفی
احیاء و تجدید عزت و کرامت ملی و اسلامی، برافراشتن پرچم توحید و اسلام، ایستادگی در برابر نفوذ و سلطه آمریکا، صهیونیسم و اروپا، مبارزه با رژیم غاصب و دولت جعلی صهیونیست، حضور همیشگی مردم در صحنه مبارزه، سرنگونی حکام مستبد و عمال استکبار مؤلفه‌های اصلی بیداری اسلامی در گفتمان مقام معظم رهبری است.	بررسی اندیشه مقام معظم رهبری در موضوع بیداری اسلامی با استفاده از «تحلیل انتقادی گفتمان»	تحلیل گفتمانی بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری	۱۳۹۴	امانلو

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که هر کدام از آن‌ها از زوایای مختلف پدیده بیداری اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند اما کمتر مطالعه‌ای به بررسی این پدیده در تاریخ سیاسی معاصر ایران و نقش مهم روحانیت سیاسی شیعه را در آن مورد توجه قرار داده‌اند. از نکات بدیع پژوهش حاضر این است که سیر تاریخی بیداری اسلامی را در تاریخ سیاسی معاصر ایران با

تأکید بر نقش روحانیت شیعه در سه سطح رهبری، حمایت مردمی و حمایت منطقه‌ای مورد بررسی قرار داده است تا خلأ موجود در این زمینه را تا حدودی پُر کند.

مفهوم بیداری اسلامی

«بیداری اسلامی» در زبان فارسی با مفاهیمی همچون «احیای اسلام»، «جنبش اسلامی»، «بنیادگرایی اسلامی»، «اصلاح دینی»، «رنسانس اسلامی» و «رستاخیز اسلامی» بیان شده است (شجاعی، ۱۳۹۶: ۷۳؛ شیرودی، ۱۳۸۸: ۴). در زبان عربی نیز «بیداری اسلامی» با عباراتی مانند «النهضة الاسلامیه»، «اليقظة الاسلامیه»، «الصحوه الاسلامیه»، «البعث الاسلامی»، «التیار الاسلامی» و «الحركة الاسلامیه» خوانده می‌شود (مرادپور دهنوی، ۱۳۹۹: ۸۶؛ عباسی، ۱۳۹۱: ۲۴).

همان‌طور که پیداست «بیداری اسلامی» مرکب از دو واژه «بیداری» و «اسلامی» است. از لحاظ لغوی «بیداری» در نقطه مقابل «خواب» قرار می‌گیرد و می‌توان آن را حاصل آگاهی، شناخت، طلب، خواسته و اراده و کنش آدمیان دانست (نوری، ۱۳۷۶: ۵۸۸). «اسلامی» به مفهوم تبعیت از آموزه‌های دین اسلام است. به این ترتیب، بیداری اسلامی به معنای حیات برتر (برین) و یا تلاش برای دستیابی به آن است و این حیات، تنها از طریق دین، قابل دریافت است؛ زیرا خدا به انسان و جهان حیات بخشیده و پیامبرش ما را به آنچه زنده می‌کند، فرا می‌خواند (خواجه سروی، ۱۳۹۱: ۹۷). بر این اساس، بیداری اسلامی به معنای احیای مجدد امت اسلامی در پرتو اسلام واقعی و اصیل است؛ بیداری‌ای که موجب از بین رفتن تمام آثار و مظاهر خواب‌آلودگی دنیای اسلام می‌شود و همه مسلمانان عزم خود را برای بازگشت به آموزه‌ها و ارزش‌های الهی جزم می‌کنند (جهانگیر و ملکی، ۱۳۹۴: ۲۹۰).

به طور کلی می‌توان بیداری اسلامی را اصطلاحی برای بیان جنبش‌ها و نهضت‌ها و تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی چند قرن اخیر جوامع مسلمان بر مبنای آگاهی، اراده و عمل سیاسی آن‌ها در پرتو وفاداری و بازگشت به آموزه‌های دینی و اسلامی و در واکنش به استبداد داخلی و عقب‌ماندگی‌های جوامع خود در برخورد با فرهنگ و تمدن غربی دانست. بنابراین می‌توان گفت هر چند بیداری اسلامی بیشتر با تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا در کانون توجهات قرار گرفته اما بیداری اسلامی مفهوم جدیدی نیست و ریشه در تحولات اخیر ندارد و می‌توان گفت قدمتی چند هزار ساله دارد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای نظریه بیداری اسلامی است که به وسیله مقام معظم رهبری بیان شده است. هر چند مقام معظم رهبری نظریه بیداری اسلامی را در پی اوج گیری انقلاب در مصر مطرح کرد اما قبل از این در موارد دیگری نیز به بیان نظریه بیداری اسلامی پرداخته است^۱ (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۳). نظریه بیداری اسلامی به ریشه های تاریخی، مذهبی و زمینه های تعیین کننده در بروز انقلاب های اخیر خاورمیانه می پردازد. مقام معظم رهبری با طرح این نظریه و باز کردن ابعاد آن در مقاطع گوناگون بر این نکته تأکید می ورزد که این انقلاب ها در جریانی خطی و تاریخی قرار دارند و «بریده از ریشه های تاریخی و زمینه های اجتماعی و فکری نیستند» (خامنه ای، ۱۳۹۰). بیداری اسلامی حاصل فرایندی طولانی است؛ متفکران و اندیشمندان بسیاری برای برافروختن این چراغ بیداری تلاش کرده و هر یک سهمی در برانگیختن این بیداری داشته اند (حسینی، ۱۳۹۰: ۲۴). «نخستین امواج بیداری در کشورهای این منطقه که همزمان با ورود پیش قراول های استعمار آغاز شد، غالباً به وسیله ی علمای دین و مصلحان دینی پدید آمد» (خامنه ای، ۱۳۹۲). اوج این حرکت را می توان در انقلاب اسلامی ایران مشاهده کرد. در واقع تنها روحانیت قادر به بسیج همگانی مردم بودند (خامنه ای، ۱۳۸۱).

«در کشور ما، لاقلاً از چند قرن پیش به این طرف، روحانیت به خاطر وضع خاص خود و ارتباطی که با مردم داشته و اعتقادی که مردم نسبت به آن داشته اند، منشاء تحولات مهم اجتماعی و دینی و سیاسی بوده و یا در این تحولات نقش بسزایی داشته است. از جمله در اجرای مشروطیت، در ملی شدن صنعت نفت و واضح تر از همه، در پیروزی انقلاب اسلامی و نیز در گسترش این نهضت» (خامنه ای، ۱۳۷۱). «مراجع بزرگ ما ...، چه در زمان امام رضوان الله علیه و چه بعد از زمان امام تا امروز، در صف اول قرار داشتند. در هر حادثه مهمی که در جامعه اتفاق می افتاد، این ها مقدم بودند» (خامنه ای، ۱۳۷۳).

۱. به عنوان نمونه: سخنرانی در مراسم شانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) [۱۳۸۴/۳/۱۴]؛ پیام به کنگره عظیم حج [۱۳۸۴/۱۰/۱۹]؛ سخنرانی در دیدار با کارگزاران نظام [۱۳۸۲/۵/۱۵]؛ سخنرانی در مراسم ششمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه الله) [۱۳۷۴/۳/۱۴].

گونه‌شناسی حضور روحانیت در گفتمان بیداری اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر ایران جامعه ایرانی از دیرباز عرصه ظهور تفکرات، گروه‌ها، نهادها و جریان‌های مختلف فکری و عقیدتی بوده است. در این میان نهاد روحانیت به دلیل پایگاه اجتماعی خاص خود در بین آحاد جامعه، در راستای تبلیغ و ترویج ارزش‌ها و آموزه‌های دینی اسلامی، نقش بسزایی در جامعه‌پذیری، آموزش مذهبی و بویژه فعالیت‌های سیاسی داشته است. از آنجایی که دین مبین اسلام با سیاست عجین بوده و حتی آموزه‌های عبادی و معنوی آن در بسیاری از موارد جنبه سیاسی داشته و دارد، روحانیت شیعه در طول تاریخ همواره در عرصه سیاسی نقش پررنگی نسبت به گروه‌های دیگر داشته است (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶). از این رو نهاد روحانیت را می‌توان قدرتمندترین نهاد سنتی دانست که در تحولات سیاسی و اجتماعی معاصر ایران نقش بسیار مهمی در سطوح مختلف رهبری، حمایت مردمی و حمایت از جنبش‌های اسلامی در سطح منطقه‌ای ایفا کرده است و می‌توان گفت بخش مهمی از تاریخ سیاسی ایران با روحانیت عجین شده و همیشه وزنه‌ی سنگین و در واقع تعیین‌کننده‌ای در تاریخ سیاسی معاصر ایران بوده‌اند. بسیاری از روحانیون جامعه‌ی ایران، خواه ناخواه در طی قرن‌ها مانند مهره‌های شطرنج در صحنه‌ی بازی‌های سیاسی و مبارزه‌ها و کشمکش‌های داخلی ایران شرکت مؤثر داشته و عنصر فعال و گاهی محور اصلی تحولات سیاسی بوده‌اند.

در سطح رهبری

اولین گام در سطح رهبری روحانیت که رگه‌هایی از بیداری اسلامی در آن قابل مشاهده است امتیاز رویتر در تاریخ ۱۲۸۱ شمسی است. در این دوره رقابت شدیدی بین روسیه و انگلستان جهت اخذ امتیاز در ایران وجود داشت و در نتیجه‌ی این رقابت‌ها توانستند امتیازات اقتصادی، سیاسی و نظامی زیادی در ایران کسب کنند. یکی از مشهورترین این امتیازات که به کشور انگلستان داده شد، امتیاز رویتر بود. این امتیاز با مخالفت علمایی همچون آیت‌الله حاج ملاعلی کنی روبه‌رو شد. حاج ملاعلی کنی از جمله روحانیونی بود که با رهبری مبارزه علیه امتیاز رویتر، افکار عمومی مردم را در جهت لغو امتیاز هدایت کرد (تیموری، ۱۳۵۷: ۱۲۴). در نتیجه‌ی تلاش‌های ملاعلی کنی در نهایت ناصرالدین‌شاه میرزا حسین خان سپهسالار عاقد قرارداد را عزل و امتیازنامه رویتر را لغو کرد.

گام دوم در تاریخ مبارزات سیاسی روحانیت شیعه در ایران در سطح رهبری، نهضت تنباکو است. در سال ۱۲۶۹ شمسی تالبوت از ناصرالدین شاه و صدراعظم وی امین السلطان که در انگلستان به سر می بردند، خواستار اعطای امتیاز انحصار توتون و تنباکو شد که در نهایت شاه جهت تأمین هزینه‌های سفر خود با اعطای آن موافقت کرد. طبق این امتیاز، انحصار داخلی و خارجی خرید و فروش توتون و تنباکوی ایران در اختیار شرکت رژی قرار می گرفت و شرکت متعهد شد سالانه ۱۵ هزار لیره با یک چهارم سود شرکت، به خزانه شاه بپردازد. روحانیون به دلایل مختلف فرهنگی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی با آن به مخالفت پرداختند و نقش رهبری نهضت تنباکو را به دست گرفتند. نخستین فریادهای اعتراض روحانیت از شیراز به رهبری سیدعلی اکبر فال اسیری از علمای برجسته‌ی آن منطقه آغاز شد و سپس در تبریز، مردم به رهبری آیت الله حاج میرزا جواد آقا مجتهد تبریزی، در اصفهان به رهبری حاج شیخ محمدتقی نجفی معروف به آقا نجفی اصفهانی و در تهران به رهبری میرزا حسن آشتیانی با آن به مخالفت پرداختند. در این ایام سید جمال الدین اسدآبادی نیز که به دعوت ناصرالدین شاه در تهران به سر می برد، به مخالفت علنی با امتیاز پرداخت. در نهایت فتوای مرجع بزرگ آن عصر، آیت الله میرزای شیرازی در تحریم استعمال توتون و تنباکو، باعث اعتراضات زیادی شد که در نتیجه آن شاه چاره‌ای نداشت جز آنکه با پرداخت غرامت به لغو امتیاز تن دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۰).

به اعتقاد برخی از محققان تولد سیاسی روحانیت و مردم ایران در این نهضت اتفاق افتاد زیرا برای اولین بار مردم به رهبری روحانیت توانستند استبداد و استعمار را به طور همزمان وادار به عقب نشینی و شکست کنند.

گام سوم در تاریخ سیاسی معاصر ایران که نقطه‌ی عطفی به شمار می رود انقلاب مشروطیت است. این انقلاب با حمایت ملا محمد کاظم خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، و رهبری سید محمد طباطبایی و سید عبدالله بهبهانی و مجاهدت واعظانی مانند سید جمال اصفهانی و ملک المتکلمین به پیروزی رسید. در تاریخ بیداری اسلامی در ایران، انقلاب مشروطیت دارای چند ویژگی مهم است: نخست آنکه با رهبری و پشتیبانی روحانیت به پیروزی رسید، دوم آنکه برخلاف امتیاز رویت و نهضت تنباکو که دغدغه‌ی اصلی روحانیت جلوگیری از تسلط و دخالت بیگانگان و به عبارتی مبارزه با استعمار خارجی بود، در این انقلاب روحانیت رویکردی جدید نسبت به سیاست در پیش گرفت و مبارزه با ظلم و ستم و استبداد داخلی را وجهه‌ی

همت خود قرار داد. ویژگی دیگر انقلاب مشروطیت از منظر بیداری اسلامی آن بود که در این انقلاب روحانیت دست به نظریه‌پردازی زد و تلاش نمود تا اصول مشروطیت را با فقه شیعی سازگار بنماید. کتاب‌های تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله تألیف آیت‌الله میرزا محمدحسن نائینی، اللئالی المربوطة فی وجوب المشروطه تألیف شیخ محمداسماعیل محلاتی غروی و رساله‌ی انصافیة تألیف ملاعبدالرسول کاشانی و چند اثر دیگر، حاصل همین نظریه‌پردازی‌ها است (ولایتی، ۱۳۹۹: ۱). ویژگی دیگر انقلاب مشروطیت آن بود که مفاهیم مدرنی همچون آزادی، برابری، عدالت، قانون، مجلس، تفکیک قوا و غیره را وارد ادبیات سیاسی ایران کرد و تقابل بین سنت و مدرنیسم را وارد مرحله جدیدی کرد.

گام چهارم در تاریخ بیداری اسلامی، نهضت ملی شدن صنعت نفت می‌باشد که طی آن آیت‌الله کاشانی با حمایت از مصدق دست انگلستان را از منابع نفتی ایران قطع کرد اما در نهایت به دلیل اختلافات داخلی سران نهضت و توطئه انگلستان و امریکا به شکست می‌انجامد. گام پنجم در تاریخ بیداری اسلامی بوسیله روحانیت در سطح رهبری که نقطه‌ی اوج آن به شمار می‌رود در دهه‌ی ۱۳۴۰ به وسیله امام خمینی^(۵) برداشته شد. مخالفت با قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در مهر ۱۳۴۱ نقطه‌ی آغاز مبارزه سیاسی امام خمینی در نهضت اسلامی بود که در نهایت منجر به لغو این لایحه در آذر ماه همان سال گردید. حرکت بعدی حضرت امام سخترانی معروف ایشان در عاشورای سال ۱۳۴۲ مصادف با ۱۳ خرداد بود که طی آن از مظالم و جنایات رژیم پرده برداشت. حضرت امام پس از بیان فجایع دل‌خراش کربلا، حمله‌ی ساواک و رژیم شاه به مدرسه‌ی فیضیه را به واقعه‌ی کربلا تشبیه کرد و سخنان کوبنده‌ای خطاب به شاه ایراد نمود. دو روز بعد یعنی در سحرگاه ۱۵ خرداد حضرت امام دستگیر شد و به دنبال آن قیام ۱۵ خرداد شکل گرفت. امام خمینی در فروردین ماه ۱۳۴۳ آزاد و به قم بازگردانده شد. در مهر ۱۳۴۳ لایحه‌ی کاپیتولاسیون به تصویب مجلس شورای ملی رسید که بر اساس آن به نظامیان امریکایی مأمور در ایران و وابستگان آن‌ها مصونیت سیاسی اعطا شد. در ۴ آبان ۱۳۴۳ حضرت امام سخترانی تاریخی خود را در جمع هزاران نفر از مردم ایراد نمود و دولت و مجلس ایران را نوکران امریکا خواند و قدرت‌های شرق و غرب را به شدت محکوم ساخت بدین ترتیب هر گونه محافظه‌کاری و ملاحظه‌کاری سیاسی را کنار گذاشت. به دنبال این سخترانی حضرت امام طی اعلامیه‌ای تصویب لایحه کاپیتولاسیون را محکوم کرد و آن را «سند بردگی ملت ایران» نامید.

بعد از این سخنرانی حضرت امام دستگیر و به ترکیه تبعید شد. مرحله‌ی بعدی مبارزات سیاسی امام خمینی در تاریخ بیداری اسلامی مربوط به دوران پانزده ساله‌ی تبعید وی بود. در این دوران مبارزات حضرت امام علیه رژیم شاه در قالب اعلامیه‌ها و فتاوی و انجام سخنرانی‌ها ادامه پیدا کرد اما همچنان ارتباط معنوی خود را با مردم حفظ و آن‌ها را ارشاد و راهنمایی می‌کرد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۹۲).

چاپ مقاله‌ی توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات در ۱۷ دی‌ماه ۱۳۵۶ اولین جرقه‌های آغاز انقلاب اسلامی را رقم زد. به دنبال انتشار این مقاله مردم قم دست به تظاهرات زده و شعارهای تند علیه دولت سر دادند که منجر به شهادت تعدادی از آنان شد. تظاهرات به صورت دومینو وار به تبریز، یزد، تهران و سایر شهرها کشیده شد. نقطه‌ی اوج آن راهپیمایی‌های اعتراض‌آمیز پس از عید فطر در ۱۳ شهریور ۱۳۵۷ بود در این زمان که دولت شریف امامی زمام امور را در دست گرفت با اعلام حکومت نظامی در تهران و تعدادی از شهرها فاجعه ۱۷ شهریور که جمعه‌ی سیاه نامیده شد را رقم زد که طی آن تعداد زیادی از مردم به خاک و خون کشیده شد. مبارزات مردم علیه شاه ادامه پیدا کرد تا اینکه در زمان ازهاری، راهپیمایی عظیم سراسری تاسوعا و عاشورا که باشکوه‌ترین فراندوم تاریخ ایران خوانده شد تحقق یافت. همزمان با عدم موفقیت دولت ازهاری، تلاش دولت‌های غربی و به‌ویژه امریکا برای جلوگیری از فروپاشی رژیم شاه نتیجه‌بخش نبود و در نهایت شاه به بهانه‌ی معالجه در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ از کشور فرار کرد. حضرت امام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ با بی‌نظیرترین استقبال مردمی وارد کشور شد و بدین ترتیب حساس‌ترین و سخت‌ترین دوره‌ی رهبری انقلاب آغاز شد دوره‌ای که حضرت امام می‌بایست کشتی هیجان‌زده‌ی انقلاب را به ساحل آرامش و سکون هدایت می‌کرد. رهبر انقلاب می‌بایست با قدرت و توانایی فوق‌العاده ضمن کنترل هیجان و احساسات عمومی، توده‌های مردم و جلوگیری از هرج و مرج همچون معماری قابل و توانا ساختمان جدید حکومت اسلامی را که طرح و ایده آن را قبلاً داده است، بر ویرانه‌های حکومت ساقط شده بنا نماید (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۹۲).

بدین ترتیب حضرت امام توانست رسالت تاریخی خود را برای بیداری اسلامی، ساقط کردن نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی و تشکیل حکومت اسلامی به سرانجام برساند و انقلابی را بنا نماید که بیداری اسلامی را در بسیاری از نقاط جهان باعث گردید و الگو و سرمشق ملت‌ها

و کشورهای زیادی گردید که بارزترین نمونه‌ی آن انقلاب‌های اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا بود که باعث حیرت بسیاری از اندیشمندان و متفکران غربی گردید. در این راستا ویلیام بیکر^۱ (۲۰۱۸) بیان می‌دارد «مهم‌ترین داستان سرزمین‌های اسلامی حکایت از این دارد که چگونه این بیداری اسلامی با دعوت به اصلاح و مقاومت، در زندگی میلیون‌ها انسان عادی جا افتاده است و خود را در سطح توده‌ها و نخبگان نشان داده است».

در نهایت در گام ششم در سطح رهبری می‌توان به نقش مقام معظم رهبری به عنوان واضع نظریه‌ی بیداری اسلامی در زمان حاضر اشاره کرد. نظریه‌ی بیداری اسلامی در نگاه مقام معظم‌ و احد و ویژگی‌های خاصی است: اولین ویژگی این است که این نظریه نظریه‌ای چندبُعدی، دقیق، علمی و مبتنی بر واقعیات است. به همین دلیل ایشان تأکید دارند که بیداری اسلامی یک توهم نیست؛ یک واقعیت عینی در جهان اسلام است. دومین ویژگی این است که مقام معظم رهبری به مسائل دنیای اسلام از دیدگاه یک اسلام‌شناس کاملاً مسلط هستند. لذا در میان رهبران دنیای اسلام به دلیل تخصص‌شان در مذهب و فقه تشیع بهتر می‌توانند نظریه‌پردازی کنند. مهم‌ترین رکن نظریه‌ی بیداری اسلامی، احساس تحقیر شدن امت اسلامی و تلاش برای بازگرداندن عزت و کرامت به این امت است. ویژگی دیگر این است که مقام معظم رهبری به تاریخ دو قرن اخیر جهان اسلام به عنوان یک تاریخ‌شناس کاملاً مسلط هستند. لذا نظریه‌ی بیداری اسلامی ایشان از یک هویت تاریخی خیلی قوی برخوردار است. ویژگی چهارم این است که این نظریه یک واکنش در مقابل استعمار غرب است. ویژگی پنجم این است که نظریه‌ی بیداری اسلامی به عنوان منشور مبارزاتی و وحدت‌بخش جهان اسلام تلقی می‌شود. ویژگی ششم این که انقلاب اسلامی ظرفیت‌ها و توانمندی‌های بسیاری دارد که رهبر انقلاب، می‌توانند این ظرفیت‌ها و توانمندی‌های معنوی و فکری و اعتقادی و تمدنی را به عنوان یک دورنما و یک پیامد برای بیداری اسلامی مطرح کنند. ویژگی هفتم این‌که در نظریه‌ی رهبر معظم انقلاب، عدول از فرهنگ سیاسی مدرن و رفتن به سوی یک فرهنگ سیاسی جدید را می‌بینیم که قبلاً نبوده است. یعنی نباید بیداری اسلامی را با واژه‌های دموکراسی، لیبرالیسم و با فرهنگ واژه‌های ایدئولوژی غربی مطرح نمود. ویژگی هشتم این است که نظریه‌ی بیداری اسلامی ایشان از

مبارزه با غرب در ابعاد نظامی شروع می‌شود و به مبارزه با وابستگان غرب در رژیم‌های سیاسی می‌رسد. سپس به مرحله‌ی نظام‌سازی و مردم‌سالاری اسلامی می‌رسد و از آن‌جا به سمت تمدن اسلامی می‌رود (نجفی، ۱۳۹۰).

ویژگی نهم این است که مقام معظم رهبری، نقش زنان را در بیداری اسلامی نیز بسیار مهم می‌داند. از دیدگاه ایشان «در این حرکت عظیم بیداری اسلامی، نقش زنان، یک نقش بی‌بدیل است و باید ادامه پیدا کند... بیداری زنان، احساس شخصیت و هویت در میان بانوان، آگاهی و بصیرت در میان جامعه‌ی زن، تأثیرش بر روی بیداری اسلامی و عزت اسلامی یک تأثیر مضاعف است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱). مقام معظم رهبری همچنین نقش نخبگان و جوانان را در بیداری اسلامی نیز مهم می‌داند تا جایی که می‌فرماید: «امروز بیداری اسلامی به معنی توجه نخبگان و جوانان مسلمان به دارایی‌های معرفتی و معنوی خود، یک حقیقت انکار نشدنی است...» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹). بنابراین همان‌گونه که پیداست مقام معظم رهبری بیداری اسلامی را تنها محدود به یک قشر خاص نمی‌داند بلکه نقش همه گروه‌ها و اقشار جامعه را در بیداری اسلامی مهم می‌داند.

در سطح حمایت مردمی

در سطح مردمی نیز روحانیون همواره در طول تاریخ سیاسی معاصر ایران در جهت بیداری اسلامی از حرکت‌ها و قیام‌های مردمی علیه استعمار و استبداد حمایت کرده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به جنگ‌های ایران و روس اشاره کرد که در نتیجه‌ی آن، شاهد شکست ایران و نفوذ غرب در جامعه ایران و به تبع آن ورود علما به صحنه‌ی سیاست هستیم. از دیدگاه علما، این شکست به معنای از دست دادن بخش‌هایی از «دارالاسلام» و «تسلط کفار بر مسلمانان» تعبیر می‌شد که بنابر قاعده‌ی «نفی سبیل» با آن مخالف بودند. از این رو، قائم‌مقام اول ملا باقر سلماسی و صدرالدین تبریزی را به عتبات گسیل کرد تا موضوع حملات روس‌ها به قلمرو ایران را به اطلاع مجتهدان شیعه برسانند و از آنان برای دفاع در برابر روسیه حکم «جهاد» بگیرند (الگار و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۱۴). در نتیجه، کاشف‌الغطاء فتوای جهاد را صادر کرد و همچنین ضرورت همکاری شیعیان با فتحعلی شاه در حفظ حدود و ثغور مسلمین و وجوب اطاعت از وی در دفع کفار روسی را اعلام کرد. البته بجز او، بسیاری از علمای شیعه نیز فتوای جهاد علیه روسیه را صادر کردند (قائم‌مقام، ۱۳۸۰: ۸۱). به دنبال حکم جهاد شاهد آن هستیم که گروه‌های مختلف

مردم در جنگ با روس‌ها شرکت می‌کنند اما به دلایلی همچون ضعف تجهیزات نظامی در مقابل روس‌ها در نهایت در این جنگ‌ها سپاه ایران شکست می‌خورد.

در نمونه‌ی تاریخی دیگر می‌توان به حادثه‌ی گریبایدوف و سفارت روس اشاره کرد. بعد از قرارداد ترکمانچای و تحمیل شرایط سخت از جانب روسیه تزاری و استقرار کاپیتولاسیون در ایران، توده‌های مردم به نحو بارزی واکنش نشان دادند که به شکل حادثه‌ی سفارت روس ظاهر شد. جریان از این قرار بود که گریبایدوف مقام نظامی روسیه برای نظارت بر اجرای قرارداد ترکمانچای به ایران آمد و می‌خواست با خشونت مردم را به قبول و اجرای قرارداد وادار سازد. از جمله می‌بایست مردم سرزمین‌های جداشده از ایران به آن نقاط بازگردند. تعدادی از زنان گرجی که در ایران ازدواج کرده بودند حاضر نبودند خانواده‌های خود را رها سازند بنابراین، گریبایدوف به اعمال زور متوسل شد. روحانیون آن زمان نیز مردم را به مقاومت و اجتماع دعوت کردند. در نتیجه احساسات علیه روسیه تحریک شد و به حدود سفارت ریختند. مأمورین محافظ سفارت به سوی مردم تیراندازی کردند، با کشتار سه نفر از ایرانیان بر عصبانیت و خشم عمومی افزوده شد لذا سفارت روس را در هم کوبیدند و گریبایدوف و همراهانش را به قتل رساندند. این واقعه از جانب یک ملت شکست‌خورده، لرزاننده‌ی قدرت بزرگ آن روز بود، دولت روسیه تزاری فهمید که این وضع عکس‌العمل طبیعی است و دولت ایران را مسئول واقعی نشناخت و با عذرخواهی که به‌وسیله اعزام خسرو میرزا به روسیه انجام گرفت موضوع خاتمه یافت (مدنی، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۰).

بنابراین روحانیت متعهد و مبارز با حضور فعال خود همواره اقشار و گروه‌های مختلف مردم را به صحنه‌ی مبارزه کشانده است. از دیدگاه مقام معظم رهبری «در همه‌ی حوادث بزرگی که ملت ایران یکپارچه در آن شرکت جست‌ه‌اند مانند نهضت مشروطیت و قیام تنباکو نیز حضور علمای دین در پیشاپیش صفوف، تنها عامل این حضور عمومی بوده است. استعمارگران انگلیسی، با درک همین حقیقت بود که انهدام جامعه‌ی روحانی را مقدمه‌ی لازم برای ادامه‌ی حضور استعماری خود در ایران دانستند... آزادی روحانیون و عدم نفوذ قدرت‌های داخلی و جهانی در آنان، موجب آن بوده است که حکمرانان خودسر، هیچ‌گاه نتوانند این مجموعه‌ی ربانی را از سر راه مفسده‌جویی‌ها و خیانت‌های خود بردارند. به همین دلیل جامعه‌ی روحانیت، همواره آماج تیرهای زهرآلود خصومت و غرض‌ورزی دشمنان گوناگون و استعمارگران و بیگانگان بوده و به مثابه‌ی دشمن درجه‌ی یک آنان تلقی شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹).

این سوابق مبارزاتی گویای آن است که روحانیت شیعه در جنبش‌های و حرکت‌های سیاسی همواره در کنار مردم بوده و در دفاع از منافع ملت، استقلال کشور و ارزش‌های دینی و اسلامی همواره پیشگام و پیش قدم بوده‌اند. البته این سخن، به معنای تطهیر اندک روحانیونی که با سوءاستفاده از موقعیت خود به دنبال اهداف و آرزوهای دنیوی و منافع شخصی خود بوده‌اند، نیست.

در سطح منطقه‌ای

عالمان دینی همواره در طول تاریخ سیاسی معاصر، نقش و جایگاه ممتازی را در تحولات سیاسی - اجتماعی جوامع اسلامی ایفا کرده‌اند؛ از جمله این عالمان می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا حسین نائینی، آیت‌الله کاشانی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری اشاره کرد که اندیشه‌های آنان در سطح داخلی، منطقه‌ای و حتی جهانی تأثیرگذار بوده است.

یکی از اصولی‌ترین مؤلفه‌های بیداری اسلامی در نگاه این عالمان دینی این است که همواره بر بیداری همه‌ی ملت‌ها، صرف نظر از جغرافیایی که در آن قرار دارند تأکید کرده‌اند و مبارزه را در هر کجا که باشد مد نظر دارند (علی‌اکبری، ۱۳۹۲). چنانچه امام خمینی (ره) فرمودند: «برای من مکان مطرح نیست. آنچه مطرح است مبارزه بر ضد ظلم است. هر جا بهتر این مبارزه، صورت بگیرد آنجا خواهم بود.» (موسوی خمینی، ۱۳۸۷: ۳۹۰).

مقام معظم رهبری نیز بارها بر مسئله‌ی بیداری اسلامی و تقویت آن در جوامع اسلامی تأکید داشته‌اند چنانکه در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی در آذر ماه ۱۳۹۷ فرمودند: «امروز در منطقه‌ی ما روحیه‌ی بیداری اسلامی بر بسیاری از ملت‌ها و کشورها حاکم است. اینکه شما ملاحظه می‌کنید قدرتمندان مستکبر دنیا، در رأس آن‌ها آمریکای جنایت‌کار نسبت به این منطقه حساس هستند، به خاطر این است که در این منطقه روحیه‌ی گرایش به اسلام و اقبال به اسلام و بیداری اسلامی به‌طور واضح به چشم می‌خورد؛ این‌ها با بیداری ملت‌های مسلمان مخالفند، این‌ها از بیداری ملت‌های مسلمان می‌ترسند. در هر جایی که اسلام توانسته است بر دل و جان مردم مسلط بشود، استکبار سیلی خورده و ما جداً معتقدیم که استکبار، بار دیگر از بیداری اسلامی در این منطقه سیلی خواهد خورد. عرض ما به برادران مسلمان، به ملت‌های مسلمان، به روشنفکران دنیای اسلام، به علمای محترم دینی در کشورهای

اسلامی همین است؛ این حرکت اسلامی را هر چه می‌توانید تقویت کنید؛ راه نجات این منطقه تقویت بیداری اسلامی است، تقویت حرکت مقاومت اسلامی است. این وظیفه متوجه عموم آحاد ملت‌های مسلمان است؛ بخصوص علمای اسلام، بخصوص روشنفکران، نویسندگان، شعرا، دانشمندان، هنرمندان، نخبگان سیاسی... در این منطقه‌ی غرب آسیا زمینه‌ی بیداری اسلامی فراهم است؛ همه باید کمک کنند این بیداری را به ثمر برسانند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی» نیز فرمودند:

«خوشبختانه امروز در دنیای اسلام بیداری به وجود آمده است، اگرچه غربی‌ها سعی کردند این بیداری را انکار کنند. آنچه به وجود آمد، بیداری اسلامی بود در این منطقه‌ی غرب آسیا و در منطقه‌ی شمال آفریقا و در کشورهای عربی؛ این یک بیداری است، این بیداری در همه‌ی دنیای اسلام وجود دارد... علی‌رغم این همه تبلیغاتی که غربی‌ها علیه اسلام و علیه زندگی اسلامی و زیست اسلامی کردند، گرایش به اسلام زیاد است؛ این گرایش، به ما نوید می‌دهد که ان‌شاءالله فردای دنیای اسلام از امروز بسیار بهتر خواهد بود» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

این مطالعه نقش روحانیت شیعه در بیداری اسلامی در تاریخ سیاسی معاصر ایران را در سه سطح رهبری، حمایت مردمی و منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد. تأمل در تاریخ سیاسی معاصر ایران نشان می‌دهد که روحانیت شیعه نقش بسیار مهمی در بیداری اسلامی در جریان تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ایفا کرده است. نتایج حاصل از پژوهش گویای آن است که در سطح رهبری، روحانیون در لغو امتیاز رویتر، پیروزی نهضت تنباکو، پیروزی انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، پیروزی انقلاب اسلامی و احیای نظریه بیداری اسلامی نقش مهمی ایفا کرده‌اند. در سطح حمایت مردمی می‌توان به اعلام حکم جهاد و دعوت مردم به مبارزه در جنگ‌های ایران و روس، حمایت از مردم در حادثه گریبایدوف و سفارت روس و به صحنه کشاندن مردم علیه استبداد و استعمار خارجی اشاره کرد. در سطح منطقه‌ای نیز می‌توان به تلاش‌های عالمان دینی همچون سید جمال‌الدین اسدآبادی، میرزا حسین نائینی، آیت‌الله کاشانی، امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری در جهت تقویت و بیداری اسلامی اشاره کرد.

این اقدامات نشان می‌دهد که چگونه روحانیت شیعه در جهت مقاومت و بیداری اسلامی همواره رسالت خویش را به خوبی انجام داده و اجازه نداده است تا بیگانگان و عوامل وابسته و نفوذی آن‌ها به اهداف شوم و پلید خود دست یابند.

به طور کلی می‌توان گفت هر چند مسئولیت بیداری اسلامی و تقویت آن وظیفه همه گروه‌ها و اقشار جامعه اسلامی است اما روحانیت به دلیل جایگاه و موقعیتی که در جامعه و در بین مردم دارند وظیفه‌ای سنگین‌تر در حفظ و تقویت بیداری اسلامی دارند. سوابق تاریخی و مبارزاتی روحانیون در تاریخ سیاسی معاصر نیز گویای این مهم است که روحانیت با ایثار و فداکاری در پاسداری از ارزش‌های اسلامی، منافع ملت و استقلال از بیگانگان با روحیه‌ای خستگی‌ناپذیر در کنار مردم حضور داشته و همان‌گونه که مقام معظم رهبری فرمودند همواره آماج تیرهای زهرآلود خصومت و غرض‌ورزی دشمنان و استعمارگران و بیگانگان بوده و به مثابه‌ی دشمن درجه‌ی یک آنان تلقی شده است.

منابع

۱. امانلو، حسین (۱۳۹۴). «تحلیل گفتمانی بیداری اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۴، شماره ۷، صص ۳۶-۹.
۲. تیموری، ابراهیم (۱۳۵۷). عصر بی خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، تهران: اقبال
۳. الفی، محمدرضا (۱۳۹۶). «تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران در پایداری و پویایی فرآیند تکاملی بیداری اسلامی و تغییر معادلات قدرت در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۱، شماره ۳، صص ۶۷-۴۳.
۴. الگار، حامد و همکاران (۱۳۷۱). سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت تاریخ کمبریج، ج ۱، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو
۵. جعفری، علی اکبر (۱۳۹۹). «عوامل سیستمیک و دومینوی بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۱-۱.
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، قم: نشر معارف.
۷. جواهری، محمدرضا (۱۳۹۸). «بیداری اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۸، شماره ۲، صص ۱۵۸-۱۳۷.
۸. جهانگیر، کیامرث؛ ملکی، حسن (۱۳۹۴). «بیداری اسلامی: ریشه‌ها و زمینه‌ها»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۳۱۰-۲۸۹.
۹. حسن پور، علی؛ نظری، علی اشرف؛ ابطحی، سید مصطفی (۱۳۹۷). «روحانیت، فرایندهای هویت‌بخشی و هژمونی گفتمان انقلاب اسلامی»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۱۲۲-۹۵.
۱۰. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۶۹/۳/۱۰). پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره). -&nt=4&id=2316&print=farsi.khamenei.ir/newspart- year=1369&tid=3971
۱۱. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۸۱/۳/۱۴). بیانات در مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله) [سخنرانی]. -&nt=2&id=3126&print=farsi.khamenei.ir/newspart-index- year=1381&tid=1423

۱۲. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۱/۴/۲۱). بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی «زنان و بیداری اسلامی» [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-in-...?id=20388&nt=2&year=1391>
۱۳. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۲/۲۲). دیدار با شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش علوم اسلامی»، [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-in-...?id=39581&nt=2&year=1397&tid=5071>
۱۴. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۷۱/۱۱/۲۵). بیانات در دیدار جمعی از روحانیون [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=3971>
۱۵. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۷/۹/۴). دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=41007>
۱۶. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۹/۵/۷). پیام به مناسبت فرارسیدن ایام حج. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1648>
۱۷. حسینی خامنه، سیدعلی (۱۳۹۲/۲/۹). بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، [سخنرانی]. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?id=22405&nt=2&year=1392&tid=2133>
۱۸. حسینی رامشه، سیدسعید؛ سروریان، حمیدرضا (۱۴۰۰). «تکریم سادات و کارکرد آن در بیداری اسلامی»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۱، صص ۵۳-۷۶.
۱۹. حسینی، محمدتقی (۱۳۹۰). بررسی نظریه بیداری اسلامی در مورد انقلاب‌های خاورمیانه. جستارهای سیاسی معاصر، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۹-۳۷.
۲۰. خواجه‌سروی، غلامرضا (۱۳۹۱). «نسبت انقلاب اسلامی ایران با بیداری اسلامی: وجوه تشابه و تمایز»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۹، شماره ۲۸، صص ۱۰۹-۹۵.
۲۱. شجاعی، هادی (۱۳۹۶). جهانی‌سازی و چالش بیداری اسلامی، فصلنامه معرفت، دوره ۲۶، شماره ۲۴۰، صص ۷۱-۸۲.
۲۲. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۸). انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی (تأثیرگذاری و نمونه‌ها). مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۶، صص ۱۰۶-۷۳.

۲۳. عباسی اشلقی، مجید (۱۳۹۱). بازتاب‌های معناگرایانه انقلاب اسلامی ایران بر اسلام‌گرایی در خاورمیانه، راهبرد، دوره ۲۱، شماره ۶۲، صص ۱۴۰-۱۱۳.
۲۴. علی‌اکبری، راضیه (۱۳۹۲). نقش علما در صیانت از بیداری و هویت اسلامی، قابل دسترس در: <http://taqrib.ir>
۲۵. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۶). روحانیت شیعه و تحولات سیاسی - اجتماعی، نشریه زمانه، شماره ۵۷
۲۶. محمدی، منوچهر (۱۳۹۲). انقلاب اسلامی: زمینه‌ها و پیامدها، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۲۷. مرادپوردهنوی، امیرحسین (۱۳۹۹). درآمدی بر مراحل بیداری اسلامی در جهان اسلام، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۱۱۱-۸۵.
۲۸. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۷). آیین انقلاب اسلامی، جلد ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی
۲۹. میرخلیلی، سیدجواد؛ ملکوتیان، مصطفی؛ مولوی وردنجانی، عیسی (۱۳۹۹). «رفتارشناسی سیاسی روحانیت در مواجهه با چالش‌های بیداری اسلامی؛ با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری»، فصلنامه علمی مطالعات بیداری اسلامی، دوره ۹، شماره ۲، صص ۳۲۵-۳۰۷.
۳۰. نجفی، موسی (۱۳۹۱). بررسی نظریه بیداری اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=18500>
۳۱. نوری، محمد (۱۳۷۶). «مآخذشناسی برگزیده احیای اسلام»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی^(ع) و ایجاد تفکر دینی، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی^(ع).
۳۲. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴). فرهنگ و تمدن اسلام، قم: نشر معارف.
۳۳. ولایتی، علی‌اکبر (۱۴۰۰). بیداری اسلامی، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، قابل دسترس در: <https://cgie.org.ir/fa/article/229249>